



Resistance and Tolerance in Alawite Rule (A Study on the Citizenship Rights of the Dissidents)

Mahmoud Fallah

Assistant Professor, Faculty of Political Science, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, I.R.Iran
Email: fallahmahmood@gmail.com

Masoud Raei

professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, I.R.Iran
Email: masoudraei@yahoo.com

Fatemeh Enteshari

PhD in Jurisprudence and Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Isfahan, I.R.Iran (Corresponding Author)
Email: fatemeh_enteshari@yahoo.com



Citation

Fallah, M., Raei, M. and Enteshari, F. (2025). Resistance and Tolerance in Alawite Rule (A Study on the Citizenship Rights of the Dissidents). *Aeine Hokmrani*, 2(3), 97-124

(DOI) 10.22034/ah.2025.723206

Type of Article: Research Article

Received: 2025 January 21

Revised: 2025 March 05

Accepted: 2025 April 04

Published Online: 2025 April 28

Abstract

The Alawi governance, as a unique model of political management in Islamic civilization, has components that ensure a balance between authority and tolerance in confronting opponents. Focusing on the concept of the citizens' rights of opponents, this paper attempts to show that Imam Ali's policies towards protesters and political opponents were based on principles such as justice, freedom of expression, and respect for civil rights. In this regard, the article attempts to analyze the relationship between citizens' resistance to injustice and governmental tolerance in Nahj al-balāgha and other historical texts related to the period of the rule of the Amir al-Mu'minin and explains the role of these principles in desirable governance. The research method of this study is qualitative and with an analytical-descriptive approach. The data were collected and examined by examining Islamic sources, especially Nahj al-balāgha and jurisprudential and historical works on the citizens' rights of opponents. In this study, while examining the theoretical and jurisprudential foundations related to citizen resistance and government tolerance the distinction between legitimate civil protest and sedition in the governance of Imam Ali will be examined. The findings of the research show that Imam Ali, in addition to adhering to the principles of justice and rightful, tolerated and even recognized civil opposition as long as it did not lead to chaos and a threat to public order. In confronting opponents, he provides a suitable model for peaceful interaction between governments and protest groups in contemporary Islamic societies.

Keywords

Alawite Rule, Opposition Civil Rights, Civil Resistance, Tolerance.





مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی (مطالعه‌ای بر حقوق شهروندی مخالفان)

محمود فلاح ^{ID}

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، جمهوری اسلامی ایران

Email: fallahmahmood@gmail.com

مسعود راعی دهقی ^{ID}

استاد، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، جمهوری اسلامی ایران

Email: masoudraei@yahoo.com

فاطمه انتشاری ^{ID}

دکتری فقه و حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران. (نویسنده مسئول)

Email: fatemeh_enteshari@yahoo.com



استناد به این مقاله:

فلاح، محمود، راعی دهقی، مسعود و انتشاری، فاطمه. (۱۴۰۴). مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی: مطالعه‌ای بر حقوق شهروندی مخالفان. نشریه آیین حکمرانی، ۲(۳)، ۹۷-۱۲۴
doi (DOI) 10.22034/ah.2025.723206

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

حکمرانی علوی، به‌عنوان الگویی بی‌همتا از مدیریت سیاسی در تمدن اسلامی، دارای مؤلفه‌هایی است که توازن بین اقتدار و مدارا را در رویارویی با مخالفان تضمین می‌کند. این مقاله با تمرکز بر مفهوم حقوق شهروندی مخالفان، می‌کوشد نشان دهد که سیاست‌های امام علی علیه السلام در برابر معترضان و مخالفان سیاسی، بر پایه اصولی چون عدالت، آزادی بیان و رعایت حقوق مدنی بوده است. در این راستا، این پژوهش می‌کوشد نسبت بین مقاومت شهروندان در برابر بی‌عدالتی و مدارای حاکمیتی را در نهج‌البلاغه و دیگر متون تاریخی مرتبط با دوره حکمرانی امیرمؤمنان علیه السلام تحلیل کرده و نقش این اصول را در حکمرانی مطلوب تبیین می‌کند. روش تحقیق این پژوهش، کیفی و با رویکرد تحلیلی - توصیفی است. داده‌ها از راه بررسی منابع اسلامی، به‌ویژه نهج‌البلاغه و آثار فقهی و تاریخی در زمینه حقوق شهروندی مخالفان گردآوری و بررسی شده است. در این مطالعه، ضمن بررسی مبانی نظری و فقهی مرتبط با مقاومت شهروندان و مدارای حکومتی، چگونگی تمایز بین اعتراض مدنی مشروع و فتنه‌انگیزی در سیره حکومتی امام علی علیه السلام بررسی خواهد شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام افزون بر پای‌بندی به اصول عدالت و حق‌مداری، مخالفت مدنی را تا جایی که به آشوب و تهدید نظم عمومی نینجامد، تحمل کرده و حتی به رسمیت شناخته است. ایشان در رویارویی با مخالفان، الگوی مناسبی برای تعامل مسالمت‌آمیز میان حکومت‌ها و گروه‌های معترض در جوامع اسلامی معاصر ارائه می‌دهند.

واژگان کلیدی

حکمرانی علوی، حقوق شهروندی مخالفان، مقاومت مدنی، مدارا.



مقدمه

حکمرانی علوی در دوران امام علی علیه السلام، به عنوان نمونه‌ای برجسته از مدیریت سیاسی بر پایه عدالت و حقوق شهروندی در تاریخ اسلام شناخته می‌شود. یکی از چالش برانگیزترین و درعین حال، آموزنده‌ترین جنبه‌های این حکمرانی، چگونگی رویارویی با مخالفان و معترضان سیاسی است. ایشان با حفظ تعادل بین اقتدار لازم برای حفظ نظم و مدارای برخاسته از رأفت و عدالت، الگویی بی‌همتای ارائه داد که در آن حقوق مخالفان مشروع، از جمله آزادی بیان و حقوق مدنی، تا مرز عدم تهدید امنیت عمومی، محترم شمرده می‌شد (محقق داماد، ۱۳۹۳). بررسی دقیق این الگو، به ویژه در پرتو مبانی «اسلام اجتماعی» - که بر عدالت، کرامت انسانی و مسئولیت دوسویه تأکید دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از این رو هدف اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل حقوق شهروندی مخالفان در چهارچوب حکمرانی علوی و تبیین چگونگی برخورد امام علی علیه السلام با اعتراضات مدنی و سیاسی است. این پژوهش، به طور مشخص به تمایز بین مقاومت مدنی مشروع و فتنه‌انگیزی در سیره و کلام امام علی علیه السلام، به ویژه در **نهج البلاغه**، می‌پردازد و نشان می‌دهد که ایشان چگونه افزون بر به رسمیت شناختن حق نقد و اعتراض، مرزهای آن را مشخص می‌کردند.

مقاله پیش رو این استدلال را پی می‌گیرد که راهبرد متوازن و خردمندانه امام علی علیه السلام در برابر مخالفان، که ریشه در درک ژرف ایشان از حقوق بشر و مبانی اسلام اجتماعی داشت، نه تنها در زمان خود کارآمد بود، بلکه امروزه هم می‌تواند به عنوان الگویی الهام‌بخش برای حکمرانی مدرن و تقویت تعاملات سازش‌کارانه بین حکومت‌ها و مخالفان در جوامع اسلامی - با توجه به نظریه‌های معاصر حقوق شهروندی - مطرح شود. این پژوهش برای دستیابی به این هدف و تحلیل دقیق سیره و کلام امام علی علیه السلام، از روش تحلیل محتوای کیفی متون اصلی، به ویژه **نهج البلاغه** و منابع تاریخی معتبر، بهره می‌برد. نخست مفاهیم کلیدی تعریف شده، سپس مبانی حقوق مخالفان در اندیشه و سیره علوی تحلیل شده، مصادیق تاریخی مدارا و مقاومت بررسی شده و سرانجام، پس از سنجش با دیگر الگوها، دستاوردها و پیشنهادات ارائه خواهد شد.

۱. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف تبیین الگوی تعامل حکمرانی علوی با مخالفان و تحلیل حقوق شهروندی آنان، از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی بهره می‌برد. به‌طور مشخص‌تر، از تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار (Directed Content Analysis) استفاده شده است. این رویکرد که برای تحلیل متون تاریخی، فقهی و روایی مناسب است، به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با استفاده از مفاهیم و چهارچوب‌های نظری موجود (در اینجا، مفاهیمی چون حقوق شهروندی، مدارا، مقاومت مدنی، معاند/غیر معاند)، به بررسی و طبقه‌بندی نظام‌مند داده‌های متنی بپردازد و شواهد مرتبط با پرسش‌های تحقیق را استخراج کرده و بکاود (Hsieh & Shannon, 2005).

انتخاب این روش، بر پایه ماهیت منابع اصلی پژوهش، یعنی نهج البلاغه و آثار مرتبط است که نیازمند تفسیر و استنباط ژرف برای درک سیره عملی و مبانی نظری امام علی علیه السلام در رویارویی با مخالفان هستند.

فرآیند تحلیل داده‌ها در این پژوهش مراحل زیر را دربرمی‌گیرد:

۱. شناسایی بخش‌هایی از متن (خطبه‌ها، نامه‌ها، گزارش‌های تاریخی) که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع حقوق مخالفان، مدارا، مقاومت و چگونگی برخورد با گروه‌های معترض می‌پردازند؛
۲. بر اساس مبانی نظری و مفاهیم کلیدی پژوهش (ازجمله حقوق شهروندی، مدارا، مقاومت مدنی، تمایز معاند و غیر معاند، عدالت، امنیت عمومی)، مقوله‌های اولیه برای کدگذاری تعریف شدند؛
۳. بررسی الگوهای موجود در داده‌های کدگذاری شده، استخراج شواهد برای تأیید یا رد فرضیه و شناسایی اصول حاکم بر سیره علوی در برابر مخالفان از راه تحلیل کیفی؛
۴. تدوین یافته‌های نهایی و ارائه تصویری منسجم از الگوی حکمرانی علوی در زمینه حقوق شهروندی مخالفان.

این روش به پژوهش امکان می‌دهد تا فراتر از توصیف صرف، به تحلیلی از مبانی، اصول و مصادیق عملی حکمرانی علوی در این حوزه دست یابد.

۲. چهارچوب مفهومی

پیش از ورود به تحلیل تفصیلی موضوع مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی و بررسی حقوق شهروندی مخالفان، لازم است مفاهیم کلیدی‌ای که شالوده این بحث را تشکیل می‌دهند به دقت تعریف و تبیین شوند. درک مشترک از اصطلاحاتی چون «اسلام اجتماعی»، «حکمرانی علوی»، «مخالف (و انواع آن)»، «حقوق شهروندی»، «مقاومت مدنی» و «مدارا» برای فهم عمیق استدلال‌ها و تحلیل‌های ارائه شده در بخش‌های بعدی مقاله، امری بنیادین است. این بخش با ارائه تعاریفی روشن و مستند از این مفاهیم، زمینه لازم را برای ورود به بحث اصلی و جلوگیری از ابهامات احتمالی فراهم می‌کند و چهارچوبی مفهومی را برای تحلیل محتوای کیفی داده‌های تاریخی و روایی در این پژوهش تشکیل می‌دهند.

۲-۱. حکمرانی علوی

حکمرانی علوی به سبک رهبری و مدیریت امام علی علیه السلام در دوران خلافت ایشان (۳۵-۴۰ هـ.ق) اشاره دارد که بر پایه اصول عدالت، مشورت، رعایت حقوق مردم، مبارزه با فساد، و تأمین آزادی‌های مشروع استوار بود (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۳۵۶). این سبک حکمرانی در نامه‌ها و خطبه‌های **نهج‌البلاغه** به روشنی بازتاب داشته است که در آن تأکید زیادی بر مدارا با مخالفان، پای‌بندی به اصول اخلاقی، و عدالت اجتماعی وجود دارد. ایشان در حکمرانی خود، بر اهمیت مشورت با مردم، استفاده از کارشناسان در اداره امور کشور و حفظ حقوق گروه‌های ضعیف تأکید داشتند. همچنین حکمرانی علوی، به‌ویژه در چگونگی برخورد با مخالفان سیاسی، نشان‌دهنده رویکردی است که در آن مخالفت‌ها تا زمانی که به تهدید امنیت و نظم عمومی تبدیل نشود، تحمل شده و حتی به رسمیت شناخته می‌شود. از دیگر ویژگی‌های حکمرانی علوی، توجه به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و حمایت از عدالت اقتصادی است که همگی در راستای خدمت به جامعه اسلامی و تحقق دولت اسلامی آرمانی قرار دارند (محقق‌داماد، ۱۳۹۳، ص ۷۴).

۲-۲. مخالف

مخالف در لغت، به آنچه نسبت به شیء دیگر ناسازگاری، عدم موافقت و ضدیت دارد، گفته می‌شود. در ادبیات موضوع، تعریف اصطلاحی واحدی برای مخالف، کمتر ارائه شده و بیشتر به انواع مخالفان پرداخته شده است. از همین رو، در اینجا تقسیم‌بندی مورد نظر این مقاله - یعنی تمایز بین مخالفان مصلح و غیر معاند از یک سو و معاندان سیاسی از سوی دیگر - تحلیل و تبیین می‌شود:

مخالفان (به‌طورعام) کسانی هستند که در حکومت اسلامی دارای پیوند اجتماعی (در قالب شهروند حکومت اسلامی یا قرارداد ذمه و...) هستند، اما سیاست یا سیاست‌هایی از نظام سیاسی حاکم را نمی‌پذیرند. این ناسازگاری می‌تواند ریشه‌های متفاوتی همچون نپذیرفتن دین اسلام، نپذیرفتن مذهب حاکم، یا عوامل غیردینی داشته باشد. مخالفان گاهی با عنوان اپوزیسیون هم شناخته می‌شوند.

۲-۲-۱. تعریف معاند و غیر معاند

این تفکیک در ادبیات اسلامی و اجتماعی به نوع موضع و نیت مخالفان نسبت به نظام، حکومت یا عقاید خاصی اشاره دارد و در سیره و کلام حضرت علی علیه السلام هم مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل محتوای متون مرتبط، نشان می‌دهد این تمایز در سیاست‌های عملی ایشان نقش کلیدی داشته است.

معاند به فردی گفته می‌شود که به‌طور عمدی و با نیت خصمانه، علیه یک عقیده، نظام یا روش حکمرانی عمل می‌کند. این دسته از افراد نه تنها مخالف هستند بلکه می‌کوشند تا با تبلیغ، فعالیت‌های تضعیف‌کننده یا تخریب‌گرانه به مقاصد خود دست یابند. معاندت، نقیض تسامح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است. قرآن کریم (توبه: ۱۱۳) استغفار را برای مشرکانی که عنادورزده و اهل دوزخ بودن‌شان آشکار شده است، عملی بیهوده و غیرجایز می‌داند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۹، ص ۳۸۷). از دیدگاه حضرت علی علیه السلام، معاند کسی است که با نیت خصمانه علیه حق و حقیقت عمل و بر گمراهی پافشاری کرده و به دنبال آسیب‌زدن به اصول و

ارزش‌های اسلامی است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷).

غیر معاند به افرادی گفته می‌شود که ممکن است به اصول، عقاید یا نظام خاصی معترض باشند، اما این اعتراض‌ها به صورت منطقی، مدنی و بدون نیت خصمانه بروز می‌کند. این گروه به نقد و بررسی مسائل اهتمام دارند و خواستار اصلاحات و بهبود وضعیت موجود هستند؛ بدون آنکه بخواهند با روش‌های تخریب‌گرانه یا ضد نظام به مقاصد خود دست یابند. از نگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام، غیر معاند کسی است که با وجود اختلاف نظر و انتقاد، نیت خصمانه ندارد و به دنبال اصلاح و بهبود شرایط است. ایشان در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر، به حسن خلق و رفتار منصفانه با همه مردم سفارش می‌کنند.

باتوجه به اهمیت این تفکیک، می‌توان گفت معاندان، افرادی هستند که به عمد، به دنبال تخریب و آسیب به نظام اسلامی و اصول عدالت هستند؛ این در حالی است که غیر معاندین، به نقد و بررسی می‌پردازند و نیت اصلاح و بهبود دارند. این تمایز در سیره حضرت علی علیه السلام آشکار است و در فهم بهتر انواع مخالفت‌ها، می‌تواند راهگشا باشد.

۲-۳. حقوق شهروندی

حقوق شهروندی، به مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف افراد در یک جامعه سیاسی گفته می‌شود که بر پایه اصل برابری، آزادی و مشارکت اجتماعی است (Marshall, 1950, p 28). در اندیشه حقوقی مدرن، این مفهوم بیشتر در سه حوزه حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی (دربردارنده حق آزادی بیان، مشارکت سیاسی و برخورداری از رفاه اجتماعی) تعریف می‌شود (Turner, 1986, p 3)، اما در اسلام، حقوق شهروندی افزون‌براین جنبه‌ها، بر مفاهیمی همچون عدالت، کرامت انسانی و مسئولیت دوسویه استوار است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵). قرآن کریم با تأکید بر اصل کرامت ذاتی و نفی تبعیض نژادی و قومی (حجرات: ۱۳)، حق امنیت، آزادی و عدالت را برای همه افراد جامعه به رسمیت می‌شناسد.

امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، رعایت حقوق شهروندی را نه تنها وظیفه حاکمان، بلکه مسئولیت اجتماعی همه افراد جامعه می‌داند و بر حق مشارکت مردم در اداره حکومت تأکید

مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی (مطالعه‌ای بر حقوق شهروندی مخالفان)

می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). ابن خلدون هم براین باور است که حقوق شهروندی در جوامع اسلامی باید با رعایت اصول عدالت اجتماعی و رفع تبعیض همراه باشد (ابن خلدون، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۱۲). حقوق شهروندی در اسلام نه تنها تضمین‌کننده آزادی‌های فردی، بلکه عاملی برای تقویت همبستگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دوسویه در جامعه اسلامی است.

۲-۴. مقاومت مدنی

مقاومت مدنی، به اقداماتی گفته می‌شود که افراد یا گروه‌ها برای ابراز مخالفت خود نسبت به سیاست‌های حکومتی - بدون توسل به خشونت - انجام می‌دهند (حسنلو و جاوید، ۱۴۰۱، ص ۵۶). تحلیل و بررسی محتوای سیره امام علی علیه السلام هم نشان‌دهنده آن است که ایشان در دوران خلافت خود با مخالفت‌های مدنی فراوانی از سوی گروه‌های مختلف (مانند مراحل اولیه مخالفت خوارج یا طلحه و زبیر) روبه‌رو شد، اما برخورد اولیه ایشان، بیشتر بر اساس اصول مدارا و حفظ حقوق مخالفان بود. درک این مفهوم برای تفکیک اعتراض مشروع از اقدام مسلحانه در حکمرانی علوی، ضروری است.

۲-۵. مدارا

در ادبیات اسلامی و سیاسی، مدارا به معنای تحمل و بردباری نسبت به دیگران، پذیرش تنوع فکری و تعامل صلح‌آمیز در جامعه است. این مفهوم در قرآن کریم - مانند: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (فصلت: ۳۴) - و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر، مدارا را یکی از ارکان حکمرانی دانسته و سفارش می‌کند: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ یعنی حاکم باید قلب خود را سرشار از رحمت و محبت برای مردم کند. ابن خلدون هم مدارا را عاملی برای حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی می‌داند و باور دارد حکومتی که بر پایه قهر بنا شود، دوام نخواهد داشت (ابن خلدون، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۴۵). جان راولز هم مدارا را یکی از اصول بنیادین جوامع عادل معرفی می‌کند (Rawls, 2001, p 29). در حکمرانی علوی، مدارا به معنای

تحمل مخالفان سیاسی، رعایت انصاف در قضاوت و حفظ حقوق شهروندی منتقدان حکومت است؛ چنانکه امام علی علیه السلام حتی با خوارج تا زمانی که دست به خشونت و اقدام مسلحانه نزدند، با مدارا رفتار کرد (طبری، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۹۲). در حکمرانی علوی، بر اساس تحلیل محتوای کیفی متون، مدارا به معنای تحمل مخالفان سیاسی، رعایت انصاف در قضاوت و حفظ حقوق شهروندی منتقدان حکومت بوده است؛ چنانکه امام علی علیه السلام حتی با خوارج تا زمانی که دست به خشونت و اقدام مسلحانه نزدند، با مدارا رفتار کرد (همان). این تعریف از مدارا، به عنوان یکی از مقوله‌های محوری در تحلیل محتوای سیره امام علی علیه السلام در برخورد با مخالفان به کار گرفته شده است.

مفاهیم شش‌گانه تعریف شده در این بخش، ابزارهای تحلیلی اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. «اسلام اجتماعی» بستر نظری و ارزشی حاکم بر حکمرانی علوی را روشن کند، در حالی که «حکمرانی علوی» خود، موضوع اصلی مطالعه است. تفکیک بین انواع «مخالفان» (اعم از معاند و غیر معاند) در تحلیل چگونگی برخورد امام علی علیه السلام نقشی کلیدی دارد. درک جنبه‌های اسلامی و مدرن «حقوق شهروندی»، امکان سنجش و ارزیابی رافراهم می‌کند و سرانجام، تبیین مفاهیم «مقاومت مدنی» و «مدارا» به عنوان دوروی سکه تعامل حاکمیت و شهروندان، درک چالش‌ها و راهکارهای ارائه شده در سیره علوی را ممکن می‌کند. با اتکاء بر این چهارچوب مفهومی، در بخش‌های آتی به تحلیل ژرف‌تر مبانی و مصادیق حقوق مخالفان در حکمرانی علوی، با استفاده از روش تحلیل محتوا، خواهیم پرداخت.

۳. حقوق شهروندی مخالفان در حکمرانی علوی؛ مبانی و رویکردها

۳-۱. پیوند حقوق شهروندی و اسلام اجتماعی در اندیشه علوی

حقوق شهروندی در اسلام، برخلاف مفهوم مدرن آن - که بیشتر بر آزادی‌های فردی و حقوق مدنی تأکید دارد - در چهارچوبی گسترده‌تر، دربردارنده عدالت اجتماعی، همبستگی گروهی و مسئولیت‌های دوسویه تعریف می‌شود. این مفهوم به طور مستقیم با اسلام اجتماعی

مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی (مطالعه‌ای بر حقوق شهروندی مخالفان)

پیوند دارد؛ چراکه اسلام اجتماعی، نگاهی فراگیر به عدالت، رفاه عمومی و همزیستی مسالمت‌آمیز ارائه می‌دهد (القرضاوی، ۲۰۰۱، ص ۷۵). در اندیشه امام علی علیه السلام - چنانکه تحلیل محتوایی **نهج البلاغه** هم نشان می‌دهد - حقوق شهروندی نه تنها آزادی‌های فردی، بلکه مسئولیت‌های اجتماعی را هم در بر می‌گیرد؛ به همین دلیل ایشان در **نهج البلاغه**، به والیان سفارش می‌کنند که مردم را به دو دسته «اخ لک فی الدین» (برادر دینی تو) و «نظیر لک فی الخلق» (هم‌نوع انسانی تو) دسته‌بندی کرده و بر اساس این اصل انسانی و فراگیر، با همه افراد به عدالت رفتار کنند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

اسلام اجتماعی به‌عنوان یک چهارچوب نظری، حمایت از کرامت انسانی، رفع تبعیض و تحقق عدالت اجتماعی را اهداف کلیدی خود می‌داند. از این دیدگاه، رعایت حقوق شهروندی، نه تنها یک وظیفه دولتی، بلکه یک تکلیف دینی هم به‌شمار می‌آید که هم بر فرد و هم بر جامعه لازم‌الاجرا است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۲۸۱)؛ بر این اساس در یک حکومت اسلامی مطلوب، شهروندان باید از حقوق برابر در برخورداری از فرصت‌های اجتماعی، مشارکت سیاسی و امنیت بهره‌مند باشند؛ امری که امام علی علیه السلام آن را با تأکید بر عدالت و پرهیز از تبعیض در سیره حکومتی خود به روشنی نشان داده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۸۶).

۲-۳. قرائت متمایز از حقوق مخالفان در نهج البلاغه و سیره علوی

حقوق شهروندی مخالفان در حکمرانی علوی، برخلاف بسیاری از نظام‌های سیاسی که مخالفت را با فتنه و شورش یکسان می‌پندارند، بر اصل عدالت، آزادی بیان و رعایت کرامت انسانی استوار است. امام علی علیه السلام در دوران خلافت خود، نه تنها در برابر مخالفان سیاسی شکیبیا بود، بلکه حقوق آنان را - حتی در اوج اختلافات سیاسی و جنگ‌های داخلی - محترم می‌شمرد (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۷۴). در سیره و متون اسلامی مرتبط با امام علی علیه السلام، تحلیل محتوای آثار و سخنان ایشان، نشان می‌دهد که حقوق شهروندی مخالفان را از دو جنبه کلیدی «حق آزادی بیان و مشارکت» و «حق امنیت و کرامت انسانی» مورد توجه قرار داده‌اند.

از دیدگاه ایشان، حکومت موظف است فضای گفت‌وگوی آزاد را برای مخالفان فراهم کند و نقدپذیر باشد. چنانکه آن حضرت در خطبه‌ای مشهور بی‌پرده بیان می‌کند: «فَلَا تَكْفُرُوا عَنْ مَقَالَةٍ يَحِقُّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَلٍ، فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ وَ لَا آمَنُ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي ...؛ یعنی از گفتن سخن حق یا مشورت عادلانه باز نایستید؛ زیرا من خود را برتر از آن نمی‌دانم که خطا کنم و از آن در امان نیستم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶). تحلیل این خطبه، برخلاف فرهنگ رایج در نظام‌های اقتدارگرا، بر اصل نقدپذیری حاکم و گفت‌وگوی دوسویه میان حاکم و شهروندان - اعم از موافق و مخالف - استوار است (وصالی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲).

حضرت علی علیه السلام حتی در برابر سرسخت‌ترین مخالفان خود، از جمله خوارج، تا زمانی که آنان دست به اقدام مسلحانه نکرده و نظم عمومی را به هم نزده بودند، سیاست مداراجویانه‌ای در پیش گرفت و حقوق شهروندی‌شان را نقض نکرد. بر اساس بررسی کیفی گزارش‌های تاریخی، ایشان در واکنش به اعتراضات و شعارهای تند خوارج فرمود: «لَكُمْ عِنْدَنَا ثَلَاثُ مَا صَحِبْتُمُونَا: لَا تَمْنَعُكُمْ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ تَذْكُرُوا فِيهَا اسْمَهُ، وَ لَا تَمْنَعُكُمْ فِينَا مَا دَامَتْ أَيْدِيكُمْ مَعَ أَيْدِينَا، وَ لَا نُقَاتِلُكُمْ حَتَّى تَبْدَأُونَا» (محمدری شهری، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۶۴۶) به این معنا که آنان حق حضور در مساجد (به‌عنوان فضای عمومی و عبادی)، برخوردار از سهم بیت‌المال و امنیت جانی را داشتند، مگر آنکه خود آغازگر خشونت و جنگ شوند (دشتی، ۱۳۸۸، ج ۱، حکمت ۴۲۹).

در مقایسه با نظریه‌های مدرن، می‌توان گفت دیدگاه امام علی علیه السلام درباره تحمل مخالف، با آموزه‌های لیبرالی چون تساهل دینی جان لاک (Locke, 1689) قرابت‌هایی دارد، اما باین تفاوت بنیادین که در حکمرانی علوی، مدارا نه تنها یک استراتژی مصلحت‌گرایانه برای حفظ نظم، بلکه یک تکلیف دینی و اخلاقی برخاسته از اصل کرامت انسانی و عدالت محوری است که سرانجام به تحقق جامعه‌ای عادلانه‌تر می‌انجامد.

۳-۳. چگونگی رعایت حقوق مخالفان و معترضان در دوران حکمرانی حضرت علی علیه السلام

چنانکه تحلیل و بررسی محتوای گزارش‌های تاریخی هم نشان می‌دهد سیره عملی حضرت علی علیه السلام در دوران حکمرانی، نمونه‌های بارزی را از رعایت حقوق مخالفان و

مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی (مطالعه‌ای بر حقوق شهروندی مخالفان)

معترضان بر اساس اصول عدالت، آزادی بیان و مدارا به نمایش می‌گذارد. ایشان با تأکید بر آزادی بیان، حتی به مخالفان خود اجازه می‌داد نظرات‌شان را ابراز کنند، مشروط بر اینکه این ابراز عقیده، به فتنه، تهمت‌پراکنی و اخلال در نظم عمومی منجر نشود (برگرفته از روح کلی نامه ۵۳ نهج البلاغه و سیره عملی ایشان).

ایشان در ماجرای مخالفت طلحه و زبیر، ابتدا با گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و ارسال نامه، به دنبال متقاعدکردن آنها و پیشگیری از درگیری بود. زمانی که کار به جنگ جمل کشید، رفتار ایشان با اسیران و مجروحان جنگی، حتی از سپاه روبه‌رو، نشان‌دهنده پای‌بندی به اصول رأفت اسلامی بود (طبری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۵۴۴). ایشان پس از جنگ، عفو عمومی اعلام کردند و مانع تعرض به بازماندگان و اموال آنان شدند.

در برخورد با خوارج هم تا زمانی که ایشان دست به خشونت و ایجاد ناامنی نزده بودند، با آنان مماشات کرده و حقوق اولیه‌شان را قطع نکرد. سفارش امام علی علیه السلام بر اینکه «تا زمانی که دست به شمشیر نبرده‌اید، با شما نمی‌جنگیم» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۰۸) از راه تحلیل و واکاوی محتوای منابع تاریخی در این زمینه اثبات‌شدنی است. حتی پس از جنگ نهروان و سرکوب نظامی خوارج - که به سبب اقدام‌های خشونت‌بار و قتل آنان ضروری شده بود - ایشان دستور دادند که به مجروحان کمک شود و اموال‌شان به یغما نرود (مفید، ۱۴۱۳ق (الف)، ج ۱، ص ۳۲۱). این سیره نشان می‌دهد که رعایت حقوق مخالفان در حکمرانی علوی، نه یک شعار، بلکه یک رویه عملی برخاسته از مبانی اسلام اجتماعی و عدالت‌محوری بوده و الگویی بی‌همتا از حکومت‌داری عادلانه و مداراجو را ارائه می‌دهد.

۴. اصل مدارا در حکمرانی علوی؛ ابعاد و مصادیق

چنانکه از محورهای سیره عملی و قولی امام علی علیه السلام هم برمی‌آید، مفهوم مدارا در حکمرانی علوی به‌عنوان یکی از اصول کلیدی مدیریت اجتماعی و سیاسی مطرح است. اهمیت این مفهوم از آنجا ناشی می‌شود که ایشان در رویارویی با مخالفان و معترضان، نه تنها بر اصول عدالت و حقیقت‌سفرارش می‌کرد، بلکه در بسیاری از موارد، با حفظ تعادل میان اقتدار لازم

برای حکمرانی و مدارای برخاسته از رأفت انسانی، از برخوردهای خشونت‌آمیز تا حد امکان خودداری می‌کرد.

۴-۱. مدارا به مثابه یک اصل اخلاقی و سیاسی

امام علی علیه السلام در حکمرانی خود، با مدارا و حُسن رفتار با مخالفان برخورد می‌کرد. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این رویکرد را می‌توان در سیاست‌های ایشان نسبت به کسانی که با حکومت‌شان مخالف یا معترض بودند، مشاهده دید. این مدارا، نه به معنای سستی در برابر بی‌عدالتی یا چشم‌پوشی از حق، بلکه به معنای حفظ کرامت انسانی، احترام به حقوق افراد و پذیرش نقدهای مشروع در چهارچوب نظم عمومی بود. امام علی علیه السلام در نامه مشهور خود به مالک اشتر می‌نویسد: «وَأَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لِمَنْ وَالَ اللُّطْفَ بِمَنْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سُبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ...؛ قلب خود را سرشار از رحمت و محبت و لطف به مردم کن و همچون حیوان درنده‌ای مباش که خوردنشان را غنیمت شماری (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این بیان، آشکارا نشان‌دهنده اهمیت محوری مدارا و شفقت در تعامل حاکم با مردم است.

۴-۲. نقش مدارا در حفظ وحدت و انسجام اجتماعی

امام علی علیه السلام در رویارویی با تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی، بر اساس تحلیلی عمیق بر محتوای خطبه‌ها و نامه‌های ایشان، مدارا را ابزاری مهم برای جلوگیری از تفرقه، حفظ انسجام جامعه اسلامی و تضعیف اتحاد مسلمانان می‌دانست. ایشان افزون بر استقبال از نقدهای سازنده و فراهم کردن فضا برای بیان نظرات، بر لزوم حفظ وحدت در برابر تهدیدات داخلی و خارجی تأکید می‌ورزید. این رویکرد مداراجویانه، در کنار قاطعیت در دفاع از اصول، به تداوم حکمرانی عادلانه ایشان در شرایط بسیار دشوار و پرتنش کمک کرد. این سیاست با آموزه‌های قرآنی بر پایه ضرورت پرهیز از تفرقه نیز همسو است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران: ۱۰۳).

توصیه ایشان به مالک اشتر بر پایه اینکه مردم یا برادر دینی تو هستند یا همانند تو در

مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی (مطالعه‌ای بر حقوق شهروندی مخالفان)

آفرینش، و تأکید بر اینکه «دل خود را لبریز از رحمت نسبت به مردم قرار ده» و «چونان درندگان خونخوار مباش» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، نشان می‌دهد که از نگاه امام علی علیه السلام، حکومت پایدار با خشونت و سرکوب به دست نمی‌آید و وحدت اجتماعی در سایه احترام به کرامت انسانی همه شهروندان، چه موافق و چه مخالف، ایجاد می‌شود.

۴-۳. سیاست دوگانه؛ تعامل و تسامح در کنار قاطعیت (حدود مدارا)

امام علی علیه السلام در دوران حکومت خود، با گروه‌های گوناگونی از مخالفان از جمله ناکثین (پیمان‌شکنان جنگ جمل)، قاسطین (متجاوزان در صفین) و مارقین (خارج‌شدگان از دین در نهروان) روبه‌رو بود. سیاست ایشان در برخورد با این گروه‌ها، بیشتر بر اساس دو اصل تسامح و تعامل تا حد امکان و اقدام قاطعانه در برابر تهدید عملی وحدت و امنیت شکل می‌گرفت.

امیرمؤمنان علی علیه السلام زمانی که مخالفان سیاسی از راه انصاف خارج شده و به کارشکنی و تبلیغات منفی می‌پرداختند، با مدارا، صبر، استدلال منطقی و اتمام حجت با آنان روبه‌رو می‌شد. نمونه بارز این امر، برخورد ایشان با خوارج است که بر اساس تحلیل گزارش‌های تاریخی، تا زمانی که تنها به ابراز عقیده (هرچند تند و ناحق) پرداخته و دست به سلاح و ایجاد ناامنی نبرده بودند، مورد تعرض قرار نگرفتند و از حقوق اولیه شهروندی خود در جامعه برخوردار بودند. نقل شده است که ایشان درباره خوارج فرمودند تا زمانی که سه شرط (عدم ایجاد ناامنی، عدم ممانعت از حضور مردم در مساجد، عدم انکار سهم خود از بیت‌المال) را رعایت کنند، با آنان جنگ نخواهد شد.

امام علی علیه السلام در مواردی که گروه‌های مخالف از مرحله اعتراض کلامی فراتر رفته، به خشونت متوسل شده و وحدت و امنیت جامعه را به‌طور جدی تهدید می‌کردند، پس از سپری کردن مراحل گفت‌وگو، نصیحت و هشدار، و در مقام دفاع از کیان جامعه اسلامی، اقدامات قاطعانه و متناسبی را در پیش می‌گرفت. نمونه این سیاست را می‌توان در نبرد با ناکثین در جمل، قاسطین در صفین و به‌ویژه مارقین در نهروان مشاهده کرد که پس از اقدامات

خسونت بار و شورش مسلحانه آنان، امام مجبور به مقابله نظامی شد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷۳ به بعد).

در اندیشه‌های سیاسی مدرن، نظریه‌پردازانی همچون جان لاک و جان استوارت میل، بر ضرورت مدارا به‌عنوان یک اصل بنیادین - به‌ویژه در جوامع متکثر - تأکید کرده‌اند. لاک در «نامه‌ای در باب تساهل»، مدارا را نه تنها یک فضیلت اخلاقی صرف، بلکه یک ضرورت سیاسی عقلانی می‌داند که بدون آن، صلح و ثبات اجتماعی در جوامع دارای تنوع عقیدتی و مذهبی ممکن نیست (Locke, 1689). با مقایسه، می‌توان دریافت که سیاست‌های امام علی علیه السلام هم به‌طور عملی، مدارا را نه تنها به‌عنوان یک توصیه اخلاقی فردی، بلکه به‌عنوان یک راهبرد سیاسی هوشمندانه برای حفظ همبستگی اجتماعی و پیشگیری از منازعات داخلی به‌کار می‌بردند، با این تفاوت که ریشه این مدارا در نگاه علوی، به‌شدت دینی و اخلاقی و بر پایه کرامت ذاتی انسان و عدالت الهی است.

در حکمرانی علوی، مدارا نه تنها یک فضیلت فردی برای حاکم، بلکه یک راهبرد مهم در مدیریت اجتماعی است که به‌وسیله آن می‌توان از تشدید شکاف‌های داخلی و گسترش تفرقه در جامعه جلوگیری کرد. سیاست امام علی علیه السلام نشان می‌دهد که مدارا باید تا حدی ادامه یابد که به نقض عدالت، تضییع حقوق دیگران یا تهدیدی جدی علیه امنیت و ثبات اجتماعی تبدیل نشود. از این نگاه، حکمرانی علوی الگویی متعادل و پویا از تلفیق اقتدار مشروع و مدارای فعال ارائه می‌دهد که می‌تواند برای جوامع معاصر در مواجهه با چالش‌های تکثر و مخالفت، الهام‌بخش باشد.

۴-۴. شواهد تاریخی از مدارای علوی

سیره حکمرانی امام علی علیه السلام که از راه تحلیل محتوای منابع تاریخی استخراج شده است، نمونه‌ای کم‌نظیر از تعامل بر پایه مدارا، عدالت و رعایت حقوق مخالفان (تا مرز اقدام عملی علیه امنیت جامعه) است. رویارویی ایشان با گروه‌های معترض و مخالفان سیاسی، پای‌بندی عملی به این اصول را نشان می‌دهد:

۴-۴-۱. نمونه طلحه و زبیر

زبیر پس از بیعت با امام علی علیه السلام، به بهانه عدم دریافت امتیازات ویژه و مخالفت با برخی سیاست‌ها، پیمان شکستند. ایشان افزون بر اجازه خروج آنان از مدینه، در نامه‌ای خطاب به آنها، با استدلال عقلی و شرعی، تلاش کرد از وقوع جنگ جلوگیری کند و آنان را به پای‌بندی به بیعت‌شان فراخواند (ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۵۴). تحلیل محتوای این نامه به خوبی نشان می‌دهد ایشان تا آخرین لحظه برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات تلاش می‌کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۳۲۱).

۴-۴-۲. نمونه خوارج (پیش از جنگ نهروان)

پس از ماجرای حکمیت، گروه خوارج با تفسیری افراطی، حکومت امام علی علیه السلام را نامشروع دانسته و به مخالفت برخاستند. با وجود اظهارات تند، شعارهای تحریک‌آمیز و حتی توهین‌های آنان، امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود تا زمانی که اقدام مسلحانه‌ای نکرده‌اند، متعرض آنان نخواهد شد و حقوق شهروندی‌شان - مانند سهم از بیت‌المال و حضور در مساجد - را قطع نکرد (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه‌های مرتبط با خوارج از جمله خطبه ۳۶، ۵۹، ۶۰). تنها زمانی که آنان به خشونت عملی، قتل و ایجاد ناامنی متوسل شدند حضرت، ناچار به مقابله نظامی شد. حتی پس از شکست‌شان در نهروان، دستور به مدارا با مجروحان و عدم غارت اموالشان داد (طبری، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۸۳-۹۳/ مفید، ۱۴۱۳ق (ب)، ج ۱، ص ۳۱۴-۳۲۲).

۴-۴-۳. نمونه عفو عمومی پس از جمل

چنانچه تحلیل کیفی گزارش‌های شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳ق (ب)، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۶۰) نشان می‌دهد، پس از جنگ جمل، امام علی علیه السلام برخلاف رویه رایج آن دوران، عفو عمومی اعلام کرد و دستور داد هیچ اسیری کشته نشود، هیچ مجروحی مورد تعرض قرار نگیرد و به اموال و خانواده‌های سپاه مقابل آسیبی وارد نشود. این اقدام در اوج قدرت نظامی، اوج مدارای سیاسی و اخلاقی ایشان را نشان می‌دهد.

۴-۴-۴. نمونه تلاش برای مذاکره با معاویه

معاویه از پذیرش حکومت امام علی علیه السلام سر باز زد و به بهانه خون‌خواهی عثمان، زمینه‌سازی برای جنگ را آغاز کرد. تحلیل محتوای نامه‌های گوناگون امیرمؤمنان علی علیه السلام به معاویه - مانند نامه‌های ۱۰، ۱۷، ۲۸، ۳۰ در نهج البلاغه - و گزارش‌های تاریخی (ر.ک: ابن‌قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶۲ به بعد) نشان می‌دهد که ایشان پیش از آغاز جنگ صفین، چندین بار از راه ارسال نامه و نماینده، کوشید تا مسئله را به صورت صلح‌آمیز و با استدلال حل کند و از وقوع جنگ داخلی دیگری جلوگیری کند. ایشان در این نامه‌ها، بر وحدت امت اسلامی و عواقب تفرقه تأکید می‌کرد.

۴-۴-۵. نسبت مدارا و عدالت اجتماعی

مدارا در حکمرانی علوی نه به معنای بی‌تفاوتی نسبت به حق و باطل یا نادیده‌گرفتن عدالت، بلکه مکمل آن بود. امام علی علیه السلام همزمان با اعمال مدارا نسبت به مخالفان غیرمعاند، بر اجرای عدالت اجتماعی برای همه شهروندان و احقاق حقوق ضعیفان پافشاری می‌کرد. اجازه اعتراض آزادانه به معنای چشم‌پوشی از حقوق جامعه و ظلم به دیگران نبود. سفارش آن حضرت در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه، بر حق مردم در بیان سخن حق و مشورت عادلانه و همزمان، وظیفه حاکم در اجرای عدالت، نشان‌دهنده این توازن است. مدارا، فضایی برای شنیدن صداهای مختلف فراهم می‌کرد تا عدالت بهتر اجرا شود.

۴-۴-۶. نقش مدارا در تقویت مشروعیت

چنانکه از بررسی کیفی شواهد تاریخی برمی‌آید، سیاست مدارای امام علی علیه السلام در برابر مخالفان - تا جایی که به اقدام عملی علیه امنیت منجر نمی‌شد - نه تنها سبب کاهش تنش‌ها و حفظ نسبی نظم اجتماعی در دورانی پرآشوب می‌شد، بلکه مشروعیت اخلاقی و سیاسی حکومت ایشان را هم در بین بخش‌های وسیعی از جامعه تقویت می‌کرد. استفاده از ابزارهای گفت‌وگو، استدلال، اتمام حجت و مشورت، در کنار پای‌بندی به اصول عدالت، سبب شد تا ایشان بتواند علی‌رغم مخالفت‌های شدید، تاحدزیادی از جایگاه حقانی خود دفاع کند و

مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی (مطالعه‌ای بر حقوق شهروندی مخالفان)

حمایت گروه‌های مختلف را جلب کند.

درنهایت، مفهوم مدارا در حکمرانی علوی، رویکردی چندجنبه‌ای است که هم جنبه اخلاقی و انسانی دارد و هم کارکرد سیاسی و اجتماعی. این رویکرد، ابزاری برای حفظ عدالت، تداوم حکمرانی در شرایط دشوار، تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش مشروعیت است، به شرطی که با قاطعیت در برابر نقض اصول اساسی و تهدید امنیت جامعه همراه باشد (ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۵۳ و خطبه ۲۱۶).

۵. مقاومت مدنی و حق اعتراض در حکمرانی علوی؛ مشروعیت و حدود

مفهوم مقاومت در حکمرانی علوی - بر اساس تحلیلی ژرف بر محتوای نهج البلاغه و منابع مرتبط - جنبه‌های فراتراز صرف ایستادگی در برابر ظلم و استبداد دارد و می‌تواند به‌عنوان حقی شهروندی برای اعتراض مدنی مشروع در برابر انحرافات سیاسی و اجتماعی و تکلیفی دینی برای اصلاح جامعه تفسیر شود. در گفتمان علوی، مقاومت مورد تأیید، نه مخالفت کورکورانه یا فتنه‌انگیزانه، بلکه اقدامی مسئولانه و آگاهانه برای دفاع از عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، و جلوگیری از انحراف جامعه اسلامی است (نک: ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۲۴۰).

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه بر زشتی ظلم‌پذیری تأکید کرده و آن را هم‌سنگ ظلم‌ورزی می‌داند. ایشان با تأکید بر کرامت و آزادی ذاتی انسان (لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا) (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، گواه این نکته است که شهروندان حق، و بلکه تکلیف، دارند که در برابر بی‌عدالتی و ستم ایستادگی کنند. این بیان، مبنای مشروعیت مقاومت مدنی و عدم پذیرش استبداد در اندیشه علوی است.

در سیره امام علی علیه السلام، جلوه‌هایی از مقاومت مشروع از راه نصیحت حاکمان، امر به معروف و نهی از منکر فعالانه، و مطالبه حق به روشنی دیده می‌شود. تأکید ایشان بر وظیفه مردم در برابر حاکمان مبنی بر اینکه «فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بِعَدْلِ» (همان، خطبه ۲۱۶)، گویای اهمیت حیاتی مشارکت شهروندان در اصلاح امور از راه بیان حق و ارائه

مشورت عادلانه است و سکوت در برابر انحراف را جایز نمی‌داند. آموزه‌های امام علی علیه السلام افزون بر به رسمیت شناختن حق اعتراض، بر جنبه تکلیفی و مسئولیت دینی و اخلاقی مقاومت برای اصلاح اجتماعی و اقامه حق تأکید بیشتری دارد. سیره عملی ایشان در برخورد با مخالفان و معترضانی که (حداقل در ابتدا) روش‌های مدنی و غیرخشونت‌آمیز را در پیش گرفته بودند، الگوی مشخصی را نشان می‌دهد که می‌توان آن را در محورهای زیر بررسی کرد:

۵-۱. اصل گفت‌وگو و همکاری متقابل

در اندیشه علوی، رابطه حاکم و مردم، رابطه‌ای دو سویه بر پایه حقوق و تکالیف متقابل است که هدف آن اقامه حق و عدل می‌باشد. لازمه این رابطه، به رسمیت شناختن جایگاه و نقش شهروندان در حیات جمعی و فراهم آوردن امکان مشارکت و ایفای وظایف مدنی برای همگان است (محقق داماد و وصالی، ۱۳۹۲). امام علی علیه السلام در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه بر حقوق دو سویه حاکم و مردم تأکید کرده است و از مردم می‌خواهد که از «گفتن حق» یا «مشورت به عدل» کوتاهی نکنند؛ چراکه از نگاه یک حاکم برای برطرف کردن هرچه سریع‌تر مشکلات مردم، نیازمند نصیحت و یاری آنان است («... و لکن من واجب حقوق الله ... التعاون علی اقامه الحق بینهم») این نگاه، اهمیت «تعاون» و «همکاری متقابل» برای برپایی حق را نشان می‌دهد و اولین گام در رویارویی با هرگونه اختلاف یا اعتراضی را گفت‌وگو، شنیدن نقد و تلاش برای اقناع و تفاهم قرار می‌دهد. این رویکرد را می‌توان با مفهوم کاتبی «قانون تکلیفی» برای یاری رساندن به یکدیگر به عنوان یک «حاجت استثنای پذیر» مقایسه کرد که از اراده آزاد و عقلانی برای تحقق خیر عمومی برمی‌خیزد (کانت، ۱۴۰۱، صص ۹ و ۱۲۱).

۵-۲. اصل تساهل و مدارا؛ پس از گفت‌وگو

راهکار بعدی حضرت علی علیه السلام در دوران خلافت و حکمرانی خویش بر مسلمین، در مواقعی که گفت‌وگو و استدلال با مخالفین غیر معاند و معترضین به نتیجه نمی‌رسید و مخالفت‌ها همچنان ادامه می‌یافت، چنانکه تحلیل کیفی سیره ایشان نشان می‌دهد، مدارا و

مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی (مطالعه‌ای بر حقوق شهروندی مخالفان)

پرهیز از شدت عمل و خشونت بود؛ البته با این قید مهم که این مخالفت‌ها، به اقدام عملی علیه امنیت و وحدت جامعه اسلامی منجر نشود (رشاد، ۱۳۸۰، ص ۲۴۱).

باینکه ایشان از نیت پیمان‌شکنانه طلحه و زبیر برای خروج از مدینه و زمینه‌سازی برای فتنه آگاه بود، اما در پاسخ به پیشنهاد ابن‌عباس برای زندانی کردن آنان، فرمودند: «آیا از من می‌خواهی که ستم را آغاز کنم... و بر گمان و تهمت کیفر دهم و پیش از ارتکاب جرم مجازات کنم؟ هرگز!... داوری من بر پایه عدالت و سخن حق خواهد بود» (ابن‌اثیر، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۰۶). این نشان می‌دهد که صرف مخالفت یا حتی قصد سوء، تا زمانی که به اقدام عملی تبدیل نشده، مجوزی برای سلب آزادی و حقوق اولیه فرد نیست.

در جریان جنگ صفین، تحلیل گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد حتی زمانی که سپاه امیرمؤمنان علی علیه السلام بر آب چیره شد، ایشان اجازه دادند سپاه معاویه هم از آب استفاده کند، به امید آنکه این رفتار جوانمردانه زمینه‌ساز هدایت یا کاهش دشمنی شود. همچنین، علی‌رغم فشار یاران برای شروع فوری جنگ، ایشان تا حد امکان آغاز نبرد را به تأخیر انداختند با این استدلال که: «اما اینکه با ایشان [در آغاز جنگ] درنگ می‌کنم، به امید آن است که گروهی از آنها هدایت شوند» (همان).

۳-۵. اصل تضمین مصونیت قضایی و حقوق اولیه (تفکیک مخالفت از جرم)

یکی از ارکان برجسته برخورد امام علی علیه السلام با مخالفان - که از راه بررسی کیفی و تحلیل سیره قضایی و سیاسی ایشان قابل استنباط است - تفکیک قائل شدن بین «مخالفت سیاسی» و «جرم کیفری» بود. ایشان تأکید داشتند که افراد را نمی‌توان تنها به دلیل داشتن عقیده مخالف یا ابراز آن - تا زمانی که منجر به اقدام عملی مجرمانه نشده - مورد تعقیب قضایی قرار داد. از ایشان نقل شده است که: «من بر اساس اتهام بازخواست نکرده و بر اساس ظن و گمان عقوبت نمی‌کنم» (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۴۳۸) همچنین در ماجرای خرید بن‌راشد (از سران خوارج)، در پاسخ به اعتراض برای عدم دستگیری او، فرمودند: «اگر قرار باشد هرکس را به صرف اتهام دستگیر کنیم، زندان‌ها پر خواهد شد و ایشان کسی را بازداشت نمی‌کند، مگر

آنکه دشمنی خود را در عمل اظهار کند» (همان، ۳۳۵).

مخالفان سیاسی که اقدام مسلحانه نکرده بودند، حتی اگر حاکمیت امام علیه السلام را نمی پذیرفتند، از حقوق اولیه مانند سهم بیت المال و امکان حضور و حتی ابراز نظر در مساجد - که مرکز مهم حیات اجتماعی و سیاسی آن روز بود - محروم نمی شدند. این نشان می دهد که مخالفت سیاسی به خودی خود جرم شمرده نمی شده است. چنانکه درباره خوارج فرمودند تا زمانی که دست به خونریزی و تجاوز نزده اند، مانع استفاده آنها از مساجد و بیت المال نخواهند شد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۶۷/تقی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۳۹۳).

تأکید امام علی علیه السلام بر رعایت دقیق عدالت و برابری در فرایند دادرسی، حتی در جزئیات رفتار قاضی با طرفین دعوا، مخالفان را هم در برمی گرفت و تضمین می کرد که حتی در صورت لزوم محاکمه (به دلیل ارتکاب جرم)، دادرسی باید عادلانه باشد. چنانکه در ماجرای اعتراض ایشان به عمر درباره نحوه خطاب قرار دادنشان در دادگاه به این اصل اشاره شده است (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۵).

الگوی رفتاری امام علی علیه السلام در برابر مقاومت یا اعتراض مدنی، که از تحلیل و بررسی محتوایی سیره ایشان استخراج شده، الگویی چندمرحله ای است. به این نحو که ابتدا کوشش برای گفت و گو، اقتناع و همکاری، سپس مدارا و تساهل صورت می گیرد و تا زمانی که مخالفت در چهارچوب مدنی و غیرخشونت آمیز باقی بماند و امنیت عمومی را به خطر نیندازد قابل اتکاء است. این رویکرد، نشان دهنده تمایز دقیق بین «حق اعتراض» و «اقدام مجرمانه» در حکمرانی علوی است.

۶. حکمرانی علوی در بوته مقایسه؛ رویکرد به مخالفان در تاریخ اسلام

رویکرد امام علی علیه السلام در برخورد با مخالفان، الگویی متمایز در تاریخ حکمرانی اسلامی به شمار می رود که بر اساس تحلیل محتوای متون نهج البلاغه (مانند خطبه ۵۷) و سیره عملی ایشان، بر مدارا، عدالت و تفکیک بین اعتراض مدنی مشروع و شورش خشونت آمیز استوار بود. این شیوه، در رویارویی با رویه بسیاری از حکومت های پس از ایشان قرار داشت.

۶-۱. مقایسه با خلفای اموی

برخلاف سیاست امام علی علیه السلام که واکاوی و تحلیل کیفی متون (ر.ک: ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۶۷) نشان می‌دهد حتی به مخالفان سرسختی چون خوارج، تا زمانی که دست به اقدام مسلحانه نزده بودند، حق آزادی بیان و حضور در جامعه را اعطا می‌کرد، خلفای اموی اغلب اعتراضات را با سرکوب شدید مواجه می‌کردند. تحلیل محتوای گزارش‌های تاریخی (ر.ک: طبری، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۵۳۰ به بعد) نشان می‌دهد سیاست ترساندن، حذف فیزیکی مخالفان، و ایجاد محدودیت‌های گسترده برای منتقدان، به‌ویژه در دوران حاکمانی چون معاویه و عاملان او مانند حجاج بن یوسف، امری رایج بود؛ چنانکه گزارش‌های تاریخی از قتل بسیاری از مخالفان بدون محاکمه عادلانه حکایت دارد.

۶-۲. مقایسه با خلفای عباسی

در دوران عباسیان هم، علی‌رغم تظاهر برخی خلفا مانند مأمون به علم‌دوستی و ایجاد فضای بحث نسبی، تحلیل منابع تاریخی (ر.ک: مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۳۰ به بعد) نشان می‌دهد برخورد با مخالفان سیاسی، به‌ویژه علویان و سایر گروه‌های منتقد، در بسیاری موارد شدید و قهرآمیز بود. زندان، شکنجه و قتل مخالفان برای حفظ پایه‌های قدرت، به‌ویژه در دوران خلفای متأخر عباسی، بارها گزارش شده است.

۶-۳. مقایسه با حکومت فاطمیان

هرچند حکومت فاطمیان در مصر، در برهه‌هایی سیاست‌های مداراگرایانه بیشتری نسبت به برخی اقلیت‌های مذهبی - مانند مسیحیان قبطی و یهودیان - و حتی شیعیان غیراسماعیلی نشان داد، اما بررسی در محتوای مطالعات تاریخی (ر.ک: Holt, 1997, p 84 / دفتری، ۱۳۹۵، فصل مربوط به فاطمیان) نشان می‌دهد این رویه پایدار نبود. در دوره‌هایی مانند *خلافة الحاکم بأمرالله*، شاهد سیاست‌های متناقض و گاه بسیار سرکوب‌گرانه حتی علیه اهل سنت و سایر گروه‌ها بوده‌ایم که نشان‌دهنده عدم ثبات رویه مدارا در این حکومت است.

این سنجش نشان می‌دهد که الگوی حکمرانی امام علی علیه السلام در مدیریت سیاسی و رعایت حقوق مخالفان - که از راه تحلیل محتوای کیفی سیره و گفتار ایشان به دست آمده است - با تأکید همزمان بر عدالت، مدارا - مشروط به عدم اقدام علیه امنیت - و حق اعتراض، نمونه‌ای بی‌همتا در تاریخ اسلام ارائه کرده است که در بسیاری از حکومت‌های بعدی، یا به کلی کنار گذاشته شد یا به شکلی ناقص و ناپایدار اجرا شد.

نتیجه

یافته‌های این پژوهش که از راه تحلیل محتوای کیفی نهج البلاغه، سیره عملی و متون تاریخی مرتبط با دوران حکمرانی امام علی علیه السلام به دست آمده است، استدلال کرد که حکمرانی علوی، نمونه‌ای ممتاز و عملی از تحقق آرمان‌های اجتماعی اسلام در عرصه مدیریت سیاسی و تعامل با شهروندان، به ویژه مخالفان است. تأکید بنیادین بر اصولی چون عدالت فراگیر، کرامت ذاتی انسان، مدارای فعال، و مسئولیت دوسویه حاکم و مردم، این الگوی حکمرانی را از بسیاری دیگر متمایز می‌کند. یافته‌های کلیدی نشان داد که امام علی علیه السلام، با استناد ژرف به مبانی قرآن و سنت نبوی، نه تنها حق حیات، امنیت، و برخورداری از بیت‌المال را برای مخالفان غیر معاند و غیر مسلح به رسمیت می‌شناخت، بلکه حق آزادی بیان و انتقاد سازنده را هم تا جایی که به فتنه و اقدام عملی علیه امنیت جامعه منجر نمی‌شد، محترم می‌شمرد. اما این تحلیل و بررسی آشکار ساخت که رویکرد ایشان در رویارویی با مخالفت‌ها، یک راهبرد چندلایه و هوشمندانه بود:

۱. همواره نخست راه گفت‌وگو، استدلال، نصیحت و روشن‌گری را برای اقل مخالفان و

پیشگیری از تضاد در پیش می‌گرفتند؛

۲. در صورت عدم نتیجه‌بخشی گفت‌وگو، مادامی که مخالفت در چهارچوب مدنی و

غیرخشونت‌آمیز باقی می‌ماند، اصل بر مدارا و تحمل بود و حقوق اولیه شهروندی

مخالفان - حتی حضور در فضای عمومی و برخورداری از منابع مالی - تضمین می‌شد؛

۳. مهم‌ترین جنبه این رویکرد - که تحلیل کیفی بر آن تأکید دارد - تفکیک دقیق و عملی میان

«مخالفت فکری و سیاسی» - که تحمل می‌شد - و «اقدام عملی مجرمانه، شورش

مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی (مطالعه‌ای بر حقوق شهروندی مخالفان)

مسلحانه و فتنه‌انگیزی» - که با آن مقابله می‌شد - بود. این تفکیک، از برخوردهای پیشگیرانه، تنها بر اساس ظن و گمان یا عقیده جلوگیری می‌کرد. در نهایت، زمانی که مدارا به تهدید امنیت عمومی، نقض حقوق دیگران یا شورش مسلحانه می‌انجامید، امیرمؤمنان علی علیه السلام با قاطعیت لازم برای حفظ کیان جامعه و اجرای عدالت اقدام می‌کرد، اما حتی در این مرحله هم بر رعایت اصول انسانی و عدالت در برخورد با شکست‌خوردگان تأکید داشت.

این الگوی متعادل، که هم حق «مقاومت مدنی» مشروع شهروندان در برابر بی‌عدالتی را به رسمیت می‌شناسد و هم بر «مدارای» حاکمیت با منتقدان (تا مرز معینی) تأکید دارد، تفاوت آشکاری با سیاست‌های اغلب سرکوب‌گرانه و امنیت‌محور بسیاری از حکومت‌های پس از ایشان (مانند دوران اموی و عباسی) نشان می‌دهد. ریشه این توازن نه در مصلحت‌گرایی صرف، بلکه در مبانی عمیق اسلام اجتماعی، عدالت‌محوری و نگاه کرامت‌بخش به انسان است.

سرانجام، این مقاله نتیجه می‌گیرد که حکمرانی علوی، با ارائه راهکاری عملی برای مدیریت تعارض و تکرر در جامعه، افزون بر پای‌بندی به اصول اخلاقی و حقوقی، می‌تواند منبع الهام ارزشمندی برای نظام‌های سیاسی معاصر، به‌ویژه در جوامع اسلامی باشد. بازخوانی و تطبیق این الگو که مبانی آن از راه تحلیل محتوا روشن شده است، با شرایط امروز، می‌تواند به بهبود تعامل بین حکومت‌ها و مخالفان، تقویت مبانی حقوق بشر و شهروندی، کاهش خشونت سیاسی، و حرکت به سوی حکمرانی مطلوب‌تر و عادلانه‌تر یاری رساند. چالش اصلی، فهم دقیق مبانی، حدود و شرایط اجرای این الگو و تلاش برای نهادینه‌سازی آن در ساختارهای حقوقی و سیاسی جوامع کنونی است.

منابع

- * قرآن مجید
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم. بیروت: داراحیاء التراث العربیة.
 ۲. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۱۷ق). الکامل فی التاریخ. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العلمیة.
 ۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۶ق). المقدمة. بیروت: دارالفکر.
 ۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. تصحیح علی اکبر غفاری. چاپ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.
 ۵. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ق). الإمامة و السياسة. تحقیق علی شیری. بیروت: دارالأضواء.
 ۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم. قم: دارالکتب الإسلامیة.
 ۷. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد. (۱۳۵۳). الغارات. ترجمه عزیزالله عطاردی. تهران: انتشارات عطارد.
 ۸. حسنلو، نصرالله و محمدجواد جاوید (۱۴۰۱). «نسبت نافرمانی مدنی و حاکمیت قانون در حکومت دینی». حقوق عمومی. ش ۷۸. تابستان. ص ۵۵-۷۸.
 ۹. دفتری، فرهاد (۱۳۹۵). تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: نشر فرزاد روز.
 ۱۰. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی علیه السلام. تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۱۱. سید رضی (۱۳۸۸). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
 ۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۰۲ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.

مقاومت و مدارا در حکمرانی علوی (مطالعه‌ای بر حقوق شهروندی مخالفان)

۱۳. طبری، محمدبن جریر. (۱۴۰۹ق). تاریخ‌الرسل و الملوک (تاریخ‌الاسم و الملوک). بیروت: دارالتراث.
۱۴. القرضاوی، یوسف (۲۰۰۱م). ملامح‌المجتمع المسلم الذي نشده. قاهره: مكتبة وهبة.
۱۵. کانت، ایمانوئل (۱۴۰۱). فلسفه حقوق. ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: نقش و نگار.
۱۶. محمدی ری‌شهری، محمد. [بی‌تا]. موسوعة الإمام علی بن‌أبی‌طالب (ع) فی الکتاب و السنة و التاریخ. الجزء ۶. قابل مشاهده در: ttr.ir/7limgm
۱۷. محقق‌داماد، سیدمصطفی و وصالی، سیدسعید (۱۳۹۳). نهج‌البلاغه نگاه‌ی فراگیر از حقوق شهروندی. تهران: مرکز توسعه راهبردی حقوق شهروندی.
۱۸. محقق‌داماد، سیدمصطفی. (۱۳۹۳). قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۹. مسعودی، علی‌بن‌حسین (۱۴۰۹ق). مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر. تحقیق اسعد داغر. قم: دارالهجرة.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). پیرامون جمهوری اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. مفید، محمدبن‌محمد (شیخ‌مفید). (۱۴۱۳ق الف). الجمل و النصرة لسید‌العترة فی حرب‌البصرة. تحقیق سیدعلی میرشریفی. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۳. مفید، محمدبن‌محمد (شیخ‌مفید). (۱۴۱۳ق ب). الإرشاد فی معرفة حجج‌الله علی‌العباد. تحقیق مؤسسه آل‌البيت لإحياء‌التراث. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
24. Holt\ M.; Lambton, Ann K. S. & Lewis, Bernard (Eds.). (1977). *The Cambridge History of Islam, Vol. 1A: The Central Islamic Lands from Pre-Islamic Times to the First World War*. Cambridge: Cambridge University Press.
25. Hsieh, H.-F., & Shannon, S. E. (2005). "Three approaches to qualitative content analysis". *Qualitative Health Research*. 15 (9). pp.1277–1288.
26. Locke, John. (1689). *A Letter Concerning Toleration*. [Edited

- by James H. Tully. Indianapolis: Hackett Publishing Company, 1983].
27. Marshall, T. H. (1950). *Citizenship and social class and other essays*. Cambridge: Cambridge University Press.
28. Rawls, John. (2001). *Justice as Fairness: A Restatement*. Edited by Erin Kelly. Cambridge, MA: Harvard University Press.
29. Turner, Bryan S. (1986). *Citizenship and Capitalism: The Debate warning*. Publisher. London: Allen & Unwin.